



نگاهی به اولین اربعین پس از فراق آقای شهید

گام های بی قرار، جان های متصل



سرمقاله

همان طور که اربعین هر سال میلیون ها دل را در مسیر کربلا به هم نزدیک می کند، این روزها هم نشان داد که محبت اهل بیت (ع)، فرهنگ مقاومت و شهادت و آرمان های مشترک، مرزها را پشت سر گذاشته و دو ملت را در یک جبهه واحد از همدلی و مقاومت قرار داده است.

شاید راز ماندگاری اربعین هم همین باشد؛ اینکه این حرکت عظیم تنها یک راهپیمایی نیست، بلکه روایت زنده پیوند دل هایی است که قرن هاست با نام حسین (ع) گرد هم می آیند. اربعین، مدرسه ای از ایمان، ایثار، برادری و وفاداری است؛ مسیری که از کربلا آغاز شد و امروز در گام های میلیون ها زائر، همچنان تا کربلا ادامه دارد.

وشاید مهم ترین پیام اربعین امسال همین باشد؛ اینکه هر حادثه ای که با هدف ایجاد فاصله میان ملت ها رخ دهد، در برابر قدرت پیوندهای عمیق اعتقادی و تاریخی آنان، سرانجام به فرصتی برای نزدیک تر شدن دل ها تبدیل خواهد شد. بسیاری از زائران اربعین امسال، با یاد آقای شهید گام برمی دارند و در دل و بر لب، نام او را دارند. آویی که حسینی، در برابر یزید زمان ایستاد و درس تسلیم نشدن به ماداد و دشمن نیز از همین می ترسد.

دور سازند، خون های به هم آمیخته ایرانی و عراقی، بار دیگر حقیقتی تاریخی را یادآوری کرد؛ اینکه سرنوشت این دو ملت، در بسیاری از بزنگاه های تاریخ، به یکدیگر گره خورده است.

زمانی رهبر شهید انقلاب، درباره پیوند دو ملت ایران و عراق در راهپیمایی اربعین فرمودند: «از ده ها کشور در راه پیمایی اربعین شرکت می کنند و میهمان مردم عراق می شوند، سعی کنیم در این راه پیمایی پیوندهای مستحکم بین برادران مسلمان را بیشتر کنیم؛ پیوند بین عراقی و غیرعراقی، پیوند بین شیعه و سنی، پیوند بین عرب و فارس و تُرک و گُرد؛ این پیوندها مایه ی سعادت است، این پیوندها آیت رحمت پروردگار است. دشمن سعی در تفرقه دارد که نتوانسته است و به حول و قوّه ی الهی نخواهد توانست. ما. ایران و عراق. دو ملت هستیم متصل به یکدیگر؛ تن های ما، دل های ما، جان های ما به یکدیگر متصل است؛ آنچه این اتصال را ایجاد کرده است، ایمان بالله و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) است، محبت به حسین بن علی (علیه السلام) است؛ روزه روز هم این زیاد خواهد شد، ان شاء الله. دشمنان توطئه می کنند، اما توطئه ی دشمنان اثری نخواهد کرد.»

هویت و تاریخ آنان دارد. این بدرقه تاریخی، تنها وداع با یک شخصیت نبود؛ اعلام وفاداری به مسیری بود که با شهادت متوقف نمی شود.

در آن سوی مرزها، مردم عراق هم بار دیگر ثابت کردند که مرزهای جغرافیا، توان جدایی دل هایی را که با عشق اهل بیت و مقاومت پیوند خورده اند، ندارد. میلیون ها نفر در نجف و کربلا ساعت ها منتظر ماندند تا پیکر قائد شهید امت را تشییع کنند. موکب ها، خانه ها و دل هایشان را چند هفته ای زودتر از موعد همیشگی اربعین به روی زائران گشودند و با همه توان، از آنان پذیرایی کردند.

این میزبانی، تنها یک رسم دیرینه نبود؛ پیام روشنی بود از برادری دو ملت که سال هاست در کنار یکدیگر، رنج ها و امیدها را قسمت کرده اند.

در این میان، حملات اخیر ائتلاف سعودی-آمریکایی به عراق که منجر به شهادت تعدادی از نیروهای حشدالشعبی و پاسداران ایرانی شد، بار دیگر نشان داد که پیوند میان ملت ایران و عراق، پیوندی فراتر از مرزهای جغرافیایی است. در روزهایی که دشمنان تلاش کردند با ایجاد شکاف و ناامنی، فاصله ای میان ملت های منطقه ایجاد کنند و آنان را از راه حسین (ع)

اربعین تنها یک مناسبت در تقویم نیست؛ رویدادی است که بار دیگر عمق پیوند ملت هایی را به تصویر می کشد که سال هاست در سایه عشق به اهل بیت (ع)، آرمان های مشترک و ایستادگی در برابر ظلم، در کنار یکدیگر ایستاده اند. نخستین اربعینی است که پس از شهادت آیت الله العظمی شهید سیدعلی خامنه ای برگزار می شود؛ فراقی که اگرچه داغی بزرگ بر دل میلیون ها انسان نهاده، اما بار دیگر نشان می دهد که خون شهید، نه پایان یک راه، بلکه آغاز فصل تازه ای از حرکت و بیداری است.

مسیر نجف تا کربلا، امسال بیش از همیشه بوی وفاداری می دهد. گویی هر قدم زائران، تجدید عهدی است با همه آنان که برای عزت امت اسلامی جان خود را فدا کردند؛ قائد شهیدی که آرمانش وحدت مسلمانان و دفاع از مظلومان بود و نامش در کنار نام دیگر شهیدان مقاومت، بر زبان میلیون ها عاشق تا همیشه تاریخ جاری است.

چندی پیش، مراسم تشییع باشکوه آقای شهید، صحنه ای کم نظیر از همبستگی مردم ایران بود؛ حضوری گسترده که نشان داد پیوند مردم با رهبر و شهیدان خود، پیوندی صرفاً سیاسی نیست، بلکه ریشه در باورها،

روایت بدرقه آقای شهید ایران

خیر یعنی آقای ما!

سر که چرخاندم، جای خالی دیده نمی شد. صحن اصلی جمرکان از شب پر شده بود و حالا حوالی شش صبح، پارکینگ ها هم دیگر ظرفیت نداشت. جمعیت از گوشه و کنار می جوشید. چهره ها از پس یک شب بی خوابی و ساعت ها انتظار خسته بود؛ اما چشم ها حکایت دیگری داشت. انتظار از نگاه حاضران می بارید. مجری که گفت: «مردم، انتظارها به پایان رسید»، همه قیام کردند و صدای «الصلاة، الصلاة» آسمان قم را پر کرد.

آیت الله جوادی آملی ایستاد تا بر پیکر رهبر شهید نماز بخواند. مردم قامت بستند. گوشم منتظر شنیدن «اللّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا» بود که بغض آیت الله شکست.

«اللهم إنه نزل مجاهداً موحداً...»

صدای هق هق میان صف ها پیچید. اشک دیگر اجازه نمی خواست. بعضی ها نتوانستند سر پا بایستند؛ نشستند و فروریختند. مردوزن بی محابا برای آقای شهیدشان گریستند.

در میان آن همه اشک و زمزمه، معنای جمله ای که منتظر شنیدنش بودم روشن تر می شد؛ خیر، فقط یک واژه در دعا نبود. تصویری بود از سال ها مجاهدت و دل بستگی مردمی که حالا برای وداع آمده بودند. نماز که تمام شد، چشم ها سرخ بود و شانه ها آویزان؛ اما حس می کردم هرم سینه سوخته ام آرام گرفته است.

ما میلیون ها بنده ی خدا، زیر سقف آسمان، در ۲۲ محرم الحرام شهادت دادیم که امام سیدعلی خامنه ای سراسر وجودش خیر بود؛ برای ما، برای ایران.

فاطمه دولتی

جنگ منطقه ای

شکست در میدان و پناه بردن به طرح های فانتزی

هرچه زمان می گذرد، نشانه های بیشتری از سردرگمی دولت ترامپ در مواجهه با ایران آشکار می شود. رئیس جمهور آمریکای ماه های گذشته مجموعه ای از سناریوها، از حمله نظامی و فشار حداکثری گرفته تا ادعاهای مکرر درباره مذاکره، تشدید تحریم ها و گزینه های جدید برای مهار ایران را مطرح کرده، اما هیچ یک نتوانسته اهداف واشنگتن را محقق کند. شکست این راهبردها، کاخ سفید را به سمت ایده هایی سوق داده که بیش از آنکه عملیاتی باشند، رنگ و بوی فانتزی و توهمی دارند.

در تازه ترین نمونه، روزنامه تلگراف مدعی شده است که آمریکا و رژیم صهیونیستی در حال بررسی اعمال «محاصره زمینی» علیه ایران هستند؛ طرحی که بر اساس آن، کشورهای همسایه باید مرزهای خود را به روی ایران ببندند و جریان کالا را متوقف کنند. همین ادعا با واکنش تمسخرآمیز برخی روزنامه نگاران اسرائیلی روبه روشده که با اشاره به نقشه جغرافیایی منطقه، این ایده را احماقانه و غیرواقع بینانه توصیف کردند.

این طرح، حتی در مرحله ادعا نیز بسیار متوهمانه است. ایران با هفت کشور مرز زمینی دارد؛ یعنی حدود ۵۶۰۰ کیلومتر. این عدد به خوبی نشان می دهد که ایده «محاصره زمینی ایران» نه تنها مستلزم همکاری هفت کشور همسایه، بلکه نیازمند کنترل حدود ۵۶۰۰ کیلومتر مرز زمینی است؛ موضوعی که از نظر سیاسی، امنیتی، اقتصادی و لجستیکی، اجرای آن را غیرممکن می کند. افزون بر این، وابستگی متقابل اقتصادی، مخالفت بازیگران منطقه ای با تشدید تنش و هزینه های سنگین اجرای چنین سناریویی، آن را به یک توهم سیاسی تبدیل می کند. بنابراین، طرح متوهمانه «محاصره زمینی» بازتاب بن بست راهبردی واشنگتن و گرفتار شدن ترامپ در باتلاقی است که خود آن را ساخته است.

اعتراف

بازگشت هزینه های جنگ به کاخ سفید

جنگی که قرار بود نمایش قدرت باشد، اکنون به یکی از مهم ترین نقاط ضعف سیاسی دونالد ترامپ تبدیل شده است. هرچه درگیری با ایران طولانی تر شده، هزینه های آن بیش از آنکه در میدان نبرد نمایان شود، در افکار عمومی آمریکا و جایگاه سیاسی رئیس جمهور آمریکا، خود را نشان داده است.

کمتر از ۱۰۰ روز مانده به انتخابات میان دوره ای آمریکا، تازه ترین نظرسنجی های دانشگاه کوئینی بیاک و سی ان ان از اف بی تی سابقه محبوبیت دونالد ترامپ حکایت دارند. براساس این نظرسنجی ها، میزان تأیید عملکرد ترامپ به ۳۲ تا ۳۴ درصد سقوط کرده و تنها حدود سه نفر از هر ۱۰ آمریکایی معتقدند او بر اولویت های درست کشور تمرکز کرده است. هم زمان، تحلیلگران آمریکایی، از جمله کریس هیز، معتقدند جنگ فرسایشی با ایران و فشارهای اقتصادی، به مهم ترین عامل نارضایتی رأی دهندگان تبدیل شده و حزب جمهوری خواه را در آستانه انتخابات با چالشی جدی روبه رو کرده است.

این آمار نشان می دهد برخلاف انتظار کاخ سفید، جنگ علیه ایران نه تنها به افزایش سرمایه سیاسی ترامپ منجر نشده، بلکه افکار عمومی آمریکا آن را عاملی برای تشدید مشکلات داخلی می داند. در شرایطی که هزینه های اقتصادی، تورم و فرسایش ناشی از یک درگیری طولانی بر زندگی شهروندان سایه انداخته، رأی دهندگان بیش از نمایش قدرت نظامی، خواهان تمرکز دولت بر مسائل داخلی هستند. از این منظر، جنگ ایران از یک ابزار قدرت نمایی به یک هزینه سیاسی برای ترامپ تبدیل شده است.